

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۴۰ شمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ / ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ پيامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ / روياب عمومي / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ مصدوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ چاپ: چاپخانه‌های همشهری سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱) انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲-۸۸۵۴۸۸۹۲ http://irannewsaper.ir	
اذان ظهر ۱۳/۱۰ اذان مغرب ۲۵/۲۰ نیمه شب شرعی ۲۳/۰۰ اذان صبح فردا ۴/۴۰ طلوع آفتاب فردا ۶/۱۵	
پیامبر خاتم حضرت محمد(ص): برای شهادت حسین علیه‌السلام، حرارت و گرمایی در دل‌های مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمی‌شود.	سخن روز
مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸	

نگاره	
<div><div><div><div></div><div><div>رضا پدرالهما</div></div></div></div><div><div></div></div></div>	<div><div><div><div></div><div><div>فتح‌غریب</div></div></div></div><div><div></div></div></div>



برای حضرت قاسم(ع)

آن شب، شب جانسوز عاشورا وقتی که ماه انگشت بر لب بود در گوشه‌ای از خیمه‌ای خاموش افسوس یک خورشید در تب بود یاران همه سرمست و سرزنده آن شب، شب شوریده حالی بود در جمع مردان شهادت آه جای جوانی حیف خالی بود در گوشه‌ای بنشسته بود آرام در فکر حرفی از عمویش بود لب بسته بود و اشک‌ها جاری تصویر بابا روبه‌رویش بود وقتی نگاهش رو به پایین بود دستی به روی شانه‌اش لغزید سر را به سمت آسمان چرخاند خورشید زیبایی عمو را دید با انفجار بغض خود برخواست خود را در آغوش عمو انداخت یعنی که من هم طالب مرگم یعنی که باید در رخت جان باخت از دیدن این صحنه جانکاه چشم زمین و آسمان‌تر بود مولای ما آهسته آهسته لب باز کرد و رو به او فرمود:

برای حضرت ابوالفضل العباس(ع)

مشتی زده بر شعشعه آب:مردد نیلوفر دستش سر مرداب:مردد دیدی که به روز آید و در آب نشیند عکس رخ تابنده مهتاب مردد؟ از آب چه موجی زده بر چنگ عزایش ساقی شده انگشت به مضراب:مردد هر جا که حسین آمده عباس کنارش زینب سر این قیله و محراب مردد ای کاش که بودی و دل حرم‌له می‌شد در لحظه آخر سر پرتاب مردد گودال عجب جای عجیبی است برادر شمر آمده مهمانی ارباب مردد *** وقتی برای بردن مشک انتخاب شد تنها امید ماندن طفل رباب شد شمشیر تا کشید و به قلب سیاهه زد گویا علی دومرتبه پا در رکاب شد رو شد برای علقمه دستان خواهشش حتما قنوت آخر او مستجاب شد مشک آمد و چنان به لیش بوسه زد که آب از شه‌د بوسه‌اش به تمامی گلاب شد از کف نهاد آب و به لب ذکر یا حسین عالی مقام بوده و عالی جناب شد



در ادبیات عاشورایی هم باید تقسیم‌بندی موضوعی و مضمونی داشت

احمد شاکری:درباره ادبیات عاشورایی باید تقسیم‌بندی موضوعی و مضمونی داشت. با بسیاری از اصطلاحاتی که در حوزه ادبیات از آنها استفاده می‌شود، منشأ و مرزهای ادبی مشخص می‌شود و این تفکیک باید صورت بگیرد. گاهی از مفاهیم در قالب موضوع و گاهی در قالب مضمون استفاده می‌کنیم.تفکیک ادبیات عاشورایی و عاشورا از هم بسیار مهم است. اگر مراد از ادبیات عاشورایی و داستان‌های عاشورایی داستان‌هایی باشد که به موضوع عاشورا می‌پردازند، اثر بیشتر به سمت موضوعات تاریخی می‌رود، یعنی شأن تاریخی پیدا می‌کند که زمان، مکان و اشخاص مشخص دارد. اما اگر مراد از ادبیات عاشورا ادبیات مضمونی باشد، این اصطلاح می‌تواند با اصطلاح‌های متعدد دیگری مانند ادبیات دینی، انقلابی، پایداری، مقاومت و... مشترکاتی داشته‌باشد.

بخشی از گفته‌های این نویسنده با ایرنا



بازتاب حماسه حسینی

در فرهنگ تشیع

سلوک عاشورایی

یادداشت



دکتر محمدحسین ربیعی دوانی رئیس بنیاد ایرانشناسی

۱. اگرچه قریب به اتفاق مسلمانان از واقعه‌جانسوز کربلا متأثر بوده‌اند ولی تشیع و فرهنگ برآمده از آن در زمینه الگوبرداری از قیام و حرکت امام حسین(ع) جایگاه متمتازی دارد و اساساً فرهنگ و هویت شیعه با امام حسین(ع)، سلوک و مشی ایشان شناخته می‌شود. به این اعتبار وقتی از قیام ایشان و حادثه عاشورا به مثابه «تکیه‌گاه هویت شیعه» حرف می‌زنیم، مشخصاً بر فرهنگ ظلم‌ستیزی در تفکر و فرهنگ تشیع تأکید داریم. از این رونمی‌توان امام حسین(ع) ر ارج و احترام گذاشت ولی در عین حال، سلطه معاویه‌ها و یزیدهای دوران را مشروع دانست؛ اینها با هم قابل جمع نیستند. نمی‌توان به ایشان ومنش ایشان اعتقاد داشت و در عین حال، سلطه قدرت‌ها و سلطه‌گران معاصر را تحت هر شرایط پذیرفت.

چنین مواجهه‌ای، از اساس در تضاد با فلسفه قیام امام حسین(ع) است. از این‌رواست که امام حسین(ع) شناسنامه شیعه است و شیعه با آن وجود مقدس شناخته می‌شود. شاهد این ادعا بررسی تاریخ تشیع است. واقعیت این است که در هر عصری که شیعه به قدرت رسید الگوگیرنده از امام حسین(ع) بود و در پس این الگوگیری واژه‌رکن‌آن، موفقیت‌های بزرگی را رقم زده است؛ از عصر آل‌بویه در قرن ۴ هجری گرفته تا پیدایش صفویه و بعد از آن و در دوره معاصر با پیروزی انقلاب اسلامی همه متأثر و برآمده از فرهنگ و فلسفه قیام امام حسین(ع) بوده‌اند.

از دیگر الگوپرداری‌های فرهنگ تشیع از حرکت سیاسی امام حسین(ع) می‌توان به پدید آمدن حزب‌الله سرافراز لبنان، حشدالشعبی قهرمان عراق، فاطمیون و زینبیون در برابر تبهکاران داعشی ویمی‌های مقاوم و مجاهد در برابر ستمگران پلید سعودی اشاره کرد. بی‌تردید، همه این گروه‌ها رمز موفقیت و صلابت‌شان را مدیون امام حسین(ع) هستند.

۲. فلسفه قیام امام حسین(ع) و شهادت جانسوز آن حضرت و عزیزانش برای احیای امر به معروف و نهی از منکر، حفظ اسلام اصیل و تلاش برای بازگرداندن اسلام به زمان رسول خدا(ص) است. بی‌تردید، هیچ فرد و گروهی در جامعه آن زمان، به اندازه اهل بیت پیغمبر(ص) از شایستگی لازم برای هدایت جامعه مسلمان برخوردار نبود، به دو دلیل: نخست عصمت اهل بیت و خاندان پیامبر

و دوم، شهادت جانسوز آن حضرت و عزیزانش برای احیای امر به معروف و نهی از منکر، حفظ اسلام اصیل و تلاش برای تخریب بازگرداندن اسلام به زمان رسول خدا(ص) است. بی‌تردید، هیچ فرد و گروهی در جامعه آن زمان، به اندازه اهل بیت پیغمبر(ص) از شایستگی لازم برای هدایت جامعه مسلمان برخوردار نبود، به دو دلیل: نخست عصمت اهل بیت و خاندان پیامبر

در آیین سوگواره عاشورایی اهالی فرهنگ، هنر و رسانه که روز چهارشنبه ۱۲ مرداد ماه در محوطه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد، محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از تابلوی خوشنویسی‌شده توسط خسرو روشن هنرمند پیشکسوت خط و نقاشی کشور درباره سید الشهدا(ع) رونمایی شد. در این مراسم حجت‌الاسلام علی سعیدیان گفت: «در بوسته و ظهور دین ماندن اشتباه است. ظهور آمده‌اند تا درون انسان را پالایش کنند. ما عبادت نمی‌کنیم که عبادت کرده باشیم بلکه نماز، روزه و عبادات وسیله‌ای برای رشد و تعالی است. همه برای این عزاداری می‌کنیم که خدا نماینده‌ای را فرستاد تا انسان را به عرش برساند اما خود انسان‌ها این نماینده الهی را پس‌زدند و قدر زمینه تعالی ورشد را ندانستند.» / **ایرنا**



عباد رضا موت‌الکر، ایران

عکس نوشت

تابلوی خوشنویسی‌شده توسط خسرو روشن هنرمند پیشکسوت خط و نقاشی کشور درباره سید الشهدا(ع) رونمایی شد.

در این مراسم حجت‌الاسلام علی سعیدیان گفت: «در بوسته و ظهور دین ماندن اشتباه است. ظهور آمده‌اند تا درون انسان را پالایش کنند. ما عبادت نمی‌کنیم که عبادت کرده باشیم بلکه نماز، روزه و عبادات وسیله‌ای برای رشد و تعالی است. همه برای این عزاداری می‌کنیم که خدا نماینده‌ای را فرستاد تا انسان را به عرش برساند اما خود انسان‌ها این نماینده الهی را پس‌زدند و قدر زمینه تعالی ورشد را ندانستند.» / **ایرنا**



باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین

بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است

محتشم گاشانی

عاشورا حرکتی در امتداد

«بعثت» و «غدير» و «چالشي

جهت تبیین «فلسفه انتظار»

سنت‌های عاشورا

واقعه عاشورا دارای نکات درس آموز بسیاری است که می‌توان از آن‌ها با عنوان «سنت‌های عاشورا» نام برد. این سنت‌ها از اهمیت تربیتی سازنده‌ای برخوردار و در راستای اهداف بعثت و استمرار آن از طریق امامت معصوم قرار دارند. یکی از آن سنت‌ها که در آستانه تاسوعا و عاشورای حسینی جای طرح دارد، دستیابی به مقام «رضا» و «رضایتمندی» است. «رضا» از مراحل کمال انسانی بوده و نشانگر اوج محبت و دلدادگی به خداوند و توحید است. نشانه راهیابی به این مقام و مرتبه عرفانی نیز اخلاص و در نظر آوردن رضایت الهی در انجام کارها و راضی بودن به تقدیر مقدر از جانب خداوند است.

عاشورا ثبات نیز با رفتارهای عاشقانه نسبت به معبود، مقام «رضا» و «رضایتمندی» را به تماشا گذاشته و درصد کسب رضایت الهی برآمدند. آنان رضای الهی را پشت‌تونه کمال خود دانسته و با تکیه بر آن به استقبال حوادث رفتند و هر بلا و مصیبتی را صبورانه و عاشقانه تحمل کردند. آنان پیش از این در زندگی فردی نیز پسند و رضایت غیرالهی را بر رضای الهی ترجیح نداده و به تکلیف عمل می‌کردند.

این مهم در تعالیم قرآن و سیره و سخن پیامبر و امامان هم آمده است. اباعبدالله الحسین(ع) برای رضای الهی قدم در راه مبارزه و قیام گذاشت و در تقبیح کوفیان نیز این چنین فرمود که: «آنان (کوفیان) خواسته‌های دل خویش را بر رضای الهی ترجیح داده‌اند». امام سجاد(ع) نیز در انتقاد از خطیبي که در کاخ یزید و نزد اسرای اهل بیت(ع)، از یزید ستایش کرده و از دودمان علی(ع) به زشتی یاد می‌کرد، بر سر او فریاد کشید که: «وای بر تو، رضای مردم را به قیمت خشم خدا خریده‌ای؟!»

در هر حال «رضا» به عنوان ملاک عمل موحدان راستین، یکی از جلوه‌های فضیلتی نهضت عاشورا به شمار می‌رود که از ابتدای حرکت می‌توان شواهدی را برای آن یافت. در مسیر راه کوفه، اباعبدالله الحسین(ع) پس از برخورد با فرزدد و آگاهی از اوضاع کوفه، فرمود: «همواره کار دسدت خدا بوده و هست. اگر قضای الهی بر چیزی نازل شود که دوست داریم و می‌پسندیم، خدا را بر نعمت‌هایش سپاس گفته‌ایم و اگر قضای الهی میان ما و امیدمان فاصله انداخت، باز هم از کسی که نیستش حق و شیوه‌اش تقوا باشد دور نیست (که آن را بپسند).

شعار «رضا الله رضانا اهلّ البيت» از کلمات نورانی امام(ع) و یاران و همراهان او در این سفر بود و این کلام را هم هنگام خروج از مکه به سمت کربلا ضمن خطبه‌ای بیان فرمود و هم در واپسین لحظات عمر در قلنگاه از حنجره خوئین آن امام شنیده شد که «الهی رضی بقضائک.» آن حضرت خواهرش زینب را در طول راه و در کربلا نیز به تسلیم و رضا دعوت می‌کرد «ارضی بقضاء الله» تا پس از شهادت آن حضرت(ع) بی‌تابی و ناراضیاتی از خود نشان ندهد.

این روحیه در سایر عاشورا ثیان هم بود. یکی از آنان حبیب بن مظاهر بود. او چون خبر حرکت سیدالشهدا(ع) را به سمت کوفه شنید با اینکه پا به سن گذاشته بود، در کوفه با تمام توان شروع به فعالیت کرد. در این مسیر ابتدا دوستانش همانند مسلم بن عوسجه اسدی را فعال کرد، آنگاه در کوفه کوچه به کوچه و محله به محله راه افتاد تا مردم را متوجه قیام امام کند. این گونه بود که او یکی از بانیان نهضت نامه‌نگاری به امام گردید. پس از آمدن مسلم بن عقیل(ع) به کوفه، او تمام اعتبار اجتماعی، امکانات مالی و استعداد های خود و دوستانش را در یاری مسلم بن عقیل(ع) هزینه کرد. آنگاه که در میان خیانت‌های گسترده کوفیان، مأموریت حضرت مسلم(ع) در کوفه ناکام ماند و او دیگر خود را در کوفه بدون جایگاه دید، یکه و تنها از بیراهه خود را به کربلا رساند و به امام پیوست.

در کربلا چون کمی یاران امام را دید، دوباره از تمام آبرو و اعتبارش مایه گذاشت تا از قبایل کوچ نشین بنی اسد در اطراف کربلا برای امام یار و یاور جمع کند ولی در این مأموریت هم توفیق چندانی به دست نیاورد. اما همواره مراقب بود که لحظه‌ای از امام حسین(ع) جدا نشود. در روز عاشورا امام حسین(ع) به پاس تمامی زحمات و شایستگی‌هایش او را به عنوان فرمانده جناح چپ سپاه خود تعیین کرد. سرانجام حبیب بن مظاهر پس از رشادت‌های بسیار با وجود کوهلوت سن بر اثر زخم‌های بسیار در آستانه شهادت قرار گرفت.

در این زمان و در لحظات قبل از شهادت چشم‌گشود و سرش را در دامن مبارک امام(ع) دید و شنید که امامش به او مژده کسب مقام «رضا»ی خداوندی را می‌دهد و او با خشنودی از رسیدن به مقام رضا جان به جان آفرین تسلیم کرد.